داستان‌های داوطلبانه

پولیتزر و ما که دور افتادگانیم

سعید اصغرزاده

جوایز پولیتزر را که دادند، دیدم موضوعاتی که روزنامه‌ها، ادبیات و موسیقی به آن پرداخته‌اند تا چه حد داوطلبانه و بشردوستانه است. دیدم که روزنامه‌نگاری چقدر در آن ورمرزها، موضوعی سترگ است. دیدم که برای همین است که روزنامه‌نگاران و عکاسان‌شان، گاه روزها و ماه‌ها روی یک پروژه کار می‌کنند تا می‌شود کاری کارستان!

جایزه پولیتزر، جایزه‌ای در روزنامه‌نگاری، ادبیات و موسیقی است که بخش‌های گوناگون دارد. این جایزه معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری در آمریکا است که هر ساله (از سال ۱۹۱۷) با نظارت دانشگاه کلمبیا به روزنامه‌نگاران (و نیز به نویسندگان، شاعران و موسیقیدانان) داده می‌شود. این جایزه به نام بنیانگذار آن جوزف پولیتزر، روزنامه‌نگار و صاحب امتیاز چند روزنامه در سده نوزدهم نامگذاری شده است. «جایزه پولیتزر ۱۴ بخش مختلف دارد که از میان آنها می‌توان به گزارشگری کاوشگرانه، تفسیر، نقد، عکاسی خبری و عکاسی مستند، کاریکاتور، گزارشگری بین‌المللی، درام، بیوگرافی، تاریخ، شعر و موسیقی اشاره کرد. همچنین بنیاد پولیتزر هر ساله جوایز نیم‌میلیون دلاری خود را به بهترین عکس‌های خبری در زمینه‌های مختلف در جهان اختصاص می‌دهد؛ عکس‌هایی که راویان جسورانه خبر در جهان باشند. دنیای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و همین‌طور ادبیات را نمی‌توان بدون جایزه پولیتزر تصور کرد. امسال موضوعاتی که جایزه گرفته‌اند عجیب با حال و هوای این ستون داوطلبی و داستان‌های داوطلبانه همسو است. مثلا «آنتونی دوئر» برای رمان «تمام نوری که نمی‌توانیم ببینیم» موفق به کسب این جایزه معتبر در بخش ادبیات داستانی شده است. این رمان که الهام گرفته از کتاب «وحشت جنگ جهانی دوم است» به دلیل «فصول کوتاه که به ماهیت بشر و قدرت متناقض تکنولوژی می‌پردازد». یا در بخش ادبیات غیرداستانی «انقراض ششم: یک تاریخ غیرطبیعی» از «الیزابت کولبرت» جایزه پولیتزر سال ۲۰۱۵ را از آن خود کرد، کاوشی در طبیعت است که خواننده را مجاب به تفکر در تهدید رفتار انسانی در جهان گوناگونی‌های شگفت‌انگیز می‌کند. و اما جایزه روزنامه‌نگاری بخش‌های مختلفی دارد، در یکی از مهم‌ترین بخش‌های پولیتزر که گزارشگری محققانه باشد، جایزه دو برنده داشت:

۱- روزنامه‌نگاران وال‌استریت ژورنال به خاطر بررسی ژرف کیفیت خدمات دهندگان بخش پزشکی آمریکا در برنامه‌ای به نام Medicare Unmasked.

۲- اریک لیپتون از نیویورک تایمز به خاطر نشان دادن تأثیر لابی کننده‌ها بر رهبران کنگره و دادگستری آمریکا که منجر به ناعدالتی و سوگیری به سمت ثروتمندان و افراد مرتبط می‌شود.

پولیتزر البته بخش‌های متعددی دارد اما شاید یکی از عینی‌ترین بخش‌های جایزه پولیتزر بخش عکاسی‌اش باشد که خود دو بخش دارد:

در Breaking News Photography که به عکاسی خبری اشاره دارد، عکاس نشریه St. Louis Post-Dispatch برنده اعلام شد که عکس‌هایی از ناآرامی‌ها و شورش‌های شهر فرگوسن به دنبال مرگ یک جوان سیاهپوست، مایکل براون، توسط پلیس تهیه کرده بود. در بخش Feature Photography اما یک عکاس آزاد کار به نام دانیل برهولاک به خاطر عکس‌هایی که برای نیویورک تایمز از همه‌گیری ابولا در غرب آفریقا تهیه کرده بود، برنده اعلام شد. موضوع مهم این است که دنیا خدمات، فرهنگسازان و آنان که داوطلبانه در کانون حوادث و بحران‌ها حاضر می‌شوند و جانفشانی می‌کنند را پاس می‌دارد. این شاید همان اولین کاری است که پولیتزر با نلی بلای کرد. قصه‌اش را برایتان می‌نویسم: پولیتزر در سال ۱۸۸۲ به مردی ثروتمند مبدل شد و توانست امتیاز روزنامه «نیویورک ورلد» را خریداری کند. این روزنامه پیش از این که پولیتزر آن را به دست بگیرد، روزنامه‌ای زیان‌ده بود که سالانه بیش از ۴۰ هزار دلار زیان می‌داد اما با تخصص و پشتکار پولیتزر به روزنامه‌ای با تیراژ بالا تبدیل شد. در سال ۱۸۸۷ و در اوج موفقیت کار، پولیتزر روزنامه‌نگار معروف «نلی بلای» را استخدام کرد. داستان استخدام کردن نلی بلای داستان جالبی است. نلی بلای که نام اصلی‌اش «الیزابت کوکران» بود و هنگامی که کار خبرنگاری را آغاز کرد نام مستعار «نلی بلای» را برگزیده بود به عنوان یک طرفدار حقوق زنان به سردبیر روزنامه «سنت لوئیس» یعنی پولیتزر نامه نوشت و از یک نویسنده ضدزن شکایت کرد. پولیتزر آن‌چنان تحت‌تأثیر این زن قرار می‌گیرد که مبادرت به استخدام او می‌کند. «بلای» داستان‌های تحقیقی بسیاری در مورد کار کودکان و شرایط ناامن کار در کارخانه‌ها نوشت. بله! پولیتزر در وصیت خود در مورد شوقش به پرورش روزنامه‌نگاران چنین آورده است: «من شدیدا به پیشرفت و ارتقای حرفه خبرنگاری علاقه‌مندم و زندگی‌ام را در این حرفه سپری کردم و به آن به‌عنوان حرفه‌ای بی‌نظیر نگریستم. معتقدم که اهمیت شگفت آن به خاطر تأثیراتش بر اذهان و افکار عمومی است. مایلم که در جذب جوانان باشخصیت و توانا به این حرفه کمک کرده و همچنین آنهایی را که در این حرفه مشغول به کار هستند یاری دهم تا به بالاترین درجات روشنفکری و اندیشمندی و اصول اخلاقی نایل شوند». راستی ما هم جایزه‌ای داریم که مشوقمان باشد؟ حوصله شوخی کردنم را ندارید. ای کاش حداقل می‌شد عکس‌ها را چاپ کرد. عکس‌ها چه دیدنی بودند.

مقایسه کار داوطلبانه ایران با اروپا

در کشورهای اروپایی عموما نیروهای داوطلب در میان قشر جوان هستند. آنها برای یادگیری وارد فعالیت‌های داوطلبانه می‌شوند و مازاد وقت خود را برای سازمان‌های متولی چنین فعالیت‌هایی صرف می‌کنند. به این ترتیب هم آنها دوره کارآموزی را گذرانده‌اند و هم سازمان‌های مردم‌نهاد از نیروی کار مجانی بهره‌مند شده و روی این نیروی کار حساب کرده‌اند. نتیجه چنین فعالیتی برای کارآموزان موجب ایجاد تجربه‌های ارزشمند از سراسر جهان (به‌واسطه سفرهای متعدد نیروهای کارآموز برای کار داوطلبی در نقاط مختلف جهان) و صرفه‌جویی در هزینه‌های نیروی انسانی می‌شود که اغلب اوقات رخدادهای اجتماعی را نیز به دنبال دارد. گروه دومی که وقت خود را صرف کار داوطلبانه می‌کنند، کسانی هستند که در یک کار تخصص داشته و با کار داوطلبانه به قول ما ایرانی‌ها ذکات علم خود را می‌پردازند. سالمندان و بازنشستگان دیگر گروه داوطلبی در کشورهای اروپایی هستند. این گروه در این دوره زمانی به فعالیت‌هایی می‌پردازند که پیش از بازنشستگی به واسطه ویژگی‌های کار خود نمی‌توانستند به آن بپردازند.

مزایای کار داوطلبانه در توسعه اقتصادی و اجتماعی

سازمان‌های مردم‌نهاد وظیفه ارتباط میان دولت و جامعه بومی و محلی را بر عهده دارند. آنها به واسطه عدم رویه بوروکراتیک دولتی از ساختار سازمانی منعطفی برخوردارند و می‌توانند ارتباط موثری با جامعه هدف خود برقرار کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش می‌کنند نگاهی هم‌سطح با جامعه بومی داشته و با برگزاری جلسه‌های هم‌اندیشی برداشت‌های منفی را تعدیل کرده و فضای همفکری میان دولت و سازمان‌های محلی برقرار کنند، تا گروه‌های ذینفع در یک منطقه بتوانند به یک درک مشترک نسبت به مسائل برسند.

مشکلات کار داوطلبانه در ایران

- فاقد ارزش بودن کار داوطلبانه: در ایران کار داوطلبانه آن هم در حوزه‌هایی نظیر محیط‌زیست و... دارای ارزش قلمداد نمی‌شود، شاهد آن نیز حمایت محدود و اندک دولت از چنین فعالیت‌هایی است. چنین رویه‌ای عدم رغبت مخاطبان از کار داوطلبانه را به دنبال دارد به‌ویژه این که گاهی این فعالیت‌ها با مخالفت یا مقاومت مراجع دولتی نیز همراه می‌شود.

- فقدان پشتوانه برای کار داوطلبانه: در کشورهای اروپایی کار داوطلبانه به‌عنوان مسئولیت اجتماعی قلمداد شده و فرد داوطلب به‌عنوان یک فرد مسئول شناخته می‌شود. از این رو در رزومه‌های شغلی بخش ابتدایی و مهم به کار داوطلبانه اختصاص یافته است. این در حالی است که در رزومه‌های شغلی ایران این نمونه از فعالیت جایگاهی ندارد و مسئولیت اجتماعی فرد در برابر جامعه امری مقبول محسوب نمی‌شود. چنین رویه‌ای موجب شده است در کشور ما افراد اغلب تنها با عرق ملی و بدون برنامه‌ریزی دست به عمل بزنند که حاصل آن تجربه‌های ناخوشایندی نظیر تجربه زلزله‌بم است.

- مشکلات اقتصادی و معیشتی: افراد زمانی به فعالیت‌های داوطلبانه و اجتماعی روی می‌آورند که مشکلات معیشتی و اقتصادی نداشته باشند. زمانی که در جامعه افراد درگیر انبوه مشکلات روحی، روانی و معیشتی هستند، چطور می‌توان از آنها انتظار داشت که وارد فعالیت‌های داوطلبانه شوند.

- عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی: در ایران ما با مفاهیمی نظیر جهاد یا بسیج مواجهیم. این فعالیت‌ها در برهه‌های زمانی توانسته‌اند بخش بزرگی از مشکلات را برطرف کنند. به‌عنوان مثال جهاد یک کار خودجوش مردمی بود که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ما شاهد نیروهای داوطلب آن در اقصی نقاط کشور بودیم. ممکن است که برخی از رفتارهای انجام شده مبنای علمی نداشتند، اما این نیروها با یک شور انقلابی وارد کار شده و به‌عنوان نیروی کمکی جامعه بومی فعالیت می‌کردند.

راه‌های پیشبرد فعالیت داوطلبانه در ایران

- شکل‌گیری مراکزی برای جذب نیروی داوطلب: ما باید مراکز مردم‌نهادی را تأسیس کنیم که در آن تنها نیروهای داوطلب ثبت‌نام کنند. این مراکز می‌توانند بخش بزرگی از جوانان، افراد متخصص و به‌ویژه افراد بازنشسته را تحت پوشش قرار دهند و به این ترتیب مشکل نیروی انسانی سازمان‌های مردم‌نهاد را برطرف کنند. ضرورت بکارگیری نیروهای بازنشسته از آن جهت است که این افراد می‌توانند پس از خروج از فضای کار رسمی همچنان در چرخه فعالیت‌های اجتماعی باقی بمانند. امری که ایجاد نشاط و سرزندگی را برای این قشر به دنبال داشته و افسردگی ناشی از بیکاری و در نتیجه حضور سرگردان آنها در پارک‌ها را از بین می‌برد.

- ایجاد منفعت شخصی برای کار داوطلبانه: باید دولت و بخش خصوصی برای کار داوطلبانه ارزش قایل شده و آن را به‌عنوان یک شاخص مثبت در استخدام افراد لحاظ کنند، تا داوطلبان و به‌ویژه جوانان بارغبت بیشتری وارد این فعالیت‌ها شوند.

- فرهنگ‌سازی در زمینه کار داوطلبانه: در شرایط کنونی در جامعه ما فعالیت‌های داوطلبانه تنها بخش کوچکی از طبقه متوسط به بالا را شامل می‌شود. به‌ویژه در زمینه محیط‌زیست که به‌عنوان یک امر فانتزی قلمداد شده و تنها برای جمعی از متخصصان اهمیت دارد. این امر ضرورت فرهنگ‌سازی در جامعه به‌ویژه در میان کودکان و دانش‌آموزان را نشان می‌دهد، اما در حوزه‌های کودکان کار و خیابان و خیریه ما شاهد فعالیت‌های داوطلبانه گسترده‌تری هستیم که این بخش نیز باید تقویت شود. همچنین ما باید این بخش فعال را بسط داده و آنها را با نیازهای جدید جامعه نیز آشنا کنیم. نقشی که به‌نظر می‌رسد در آن رسانه‌ها بیش از پیش اهمیت دارند. ما به رسانه‌ها نیازمندیم تا شبکه‌ای از این فعالیت‌ها شکل بگیرد.

- تقویت برنامه‌های رسانه‌ای به‌ویژه در صدا و سیما: رسانه ملی باید به‌شکل رسالت‌فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد را منعکس کند. این برنامه‌ها باید متفاوت از برنامه‌های مشارکتی صداوسیما تعریف شوند و انعکاس‌دهنده پژوهش‌ها یا نتیجه فعالیت‌های این سازمان‌ها در زمینه‌های متعدد باشند.

- معرفی سازمان‌های فعال در حوزه کار داوطلبی: بسیاری از افراد درباره سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی چیزی نمی‌دانند. کودکان کار و خیابان، سالمندان و درنهایت محیط‌زیست تنها حوزه‌های شناخته‌شده در این زمینه است، اما اگر این سازمان‌ها به جامعه معرفی شوند آنگاه افراد حق انتخاب برای ورود به حوزه‌های گوناگون را دارند.

حمایت از بیماران مبتلا به سرطان استان زنجان

انجمن خیریه مهرانه

این انجمن در شهریورماه سال ۱۳۸۵ به پیشنهاد سرکار خانم دکتر مینوش مقیمی (فوق‌تخصص خون و آنکولوژی) و جناب آقای مهندس اصغر وثوق و با همت والای خیرین زنجان شکل گرفت و پس از اخذ مجوزهای قانونی از آذرماه همان سال فعالیت‌های خود را در سطح استان زنجان آغاز کرد.

چشم‌انداز

- حمایت مستمر بیماران مبتلا به سرطان و خانواده آنان در استان زنجان

- توجه ویژه به مداوای بیماران از طریق ارتقای سلامت جسمی و روحی آنان

- فراهم کردن امکان بهبودی بیماران و بهبود کیفیت زندگی آنها

- کوشش برای حمایت همه‌جانبه به امید این که هیچ بیمار مبتلا به سرطانی از پرداخت هزینه‌های درمان و خدمات رفاهی ناتوان نباشد.

- ثبت مشخصات وضع جسمی و درمانی بیماران به‌منظور ایجاد بانک اطلاعاتی غنی جهت استفاده آماری و پژوهشی

- مهرانه، تلاش می‌کند جزو بهترین موسسات خیریه در زمینه درمان و حمایت از بیماران مبتلا به سرطان در سطح ایران و شناخته‌شده در سطح جهان باشد.

- مهرانه، یک مرکز تحقیقات و پژوهش، آموزش و پیشگیری، تشخیص به‌موقع (در وقت طلایی) و درمان مدرن است.

فعالیت‌ها

عموم بیماران مبتلا به سرطان طی مسیر درمان خود نیاز به دستگاه رادیوتراپی دارند و با توجه به عدم وجود این دستگاه در زنجان، بیماران مبتلا به سرطان برای ادامه درمان خود باید به تهران مراجعه کنند. به همین دلیل انجمن خیریه مهرانه از ابتدای شروع فعالیتش در سال ۸۵ جهت رفاه

حال بیماران تحت‌پوشش خود که برای ادامه درمان به تهران مراجعه می‌کنند با همت خیر بزرگوار جناب آقای دکتر تبیانی اقدام به تأسیس مهمانسرا کرده است. همچنین به‌دلیل این که رادیوتراپی یکی از اصلی‌ترین روش‌های درمانی سرطان است که در درمان حداقل ۷۰ درصد از بیماران موردنیاز است. مهرانه در سال ۱۳۹۰ اقدام به احداث کلینیک تخصصی کرده است به امید این که با راه‌اندازی این پروژه بزرگ یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های بیماران مبتلا به سرطان در استان برطرف شود. در ۲۳ آبان سال ۹۳، مهرانه توانست با کمک‌های بی‌دریغ خیرین، فاز اول کلینیک را افتتاح کند.

برای احداث فاز دوم این کلینیک با همکاری کمیته‌های پزشکی و فنی و مهندسی مهرانه لیست اولیه نیازهای کلینیک تهیه شده است. خیرین عزیز می‌توانند تمام یا بخشی از هزینه خرید تجهیزات و لوازم پزشکی، هزینه احداث یک واحد ساختمانی یا بخشی از هزینه ساخت آن یا تامین تمام یا بخشی از مصالح ساختمانی یا پرداخت هزینه آن را برعهده گرفته و در احداث کلینیک تخصصی سرطان و مرکز رادیوتراپی مهرانه، گامی بزرگ بردارند. خیرین عزیز می‌توانند با مراجعه به سایت مهرانه به آدرس www.mehranehcharity.ir از راه‌های کمک به این انجمن آگاه شوند.

کارآفرین اجتماعی برتر: میرا باتاری

ایجاد اشتغال برای زنان

سازمان: انجمن تولیدکنندگان هنرهای دستی
سال تاسیس: ۱۹۸۴
کشور: نپال
وب‌سایت: www.acp.org.np
تمرکز: قدرت زنان، تجارت منصفانه
منطقه جغرافیایی تحت تاثیر: نپال
مدل: کسب و کار اجتماعی
تعداد افراد ذینفع: ۱۱۰۰ (۲۰۱۰)
بودجه سالیانه: ۱۵۸۵۸۹۹ دلار آمریکا
درصد درآمد دریافتی: ۹۹ درصد

پیشینه

یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین سازمان‌های هنرهای دستی غیرانتفاعی در نپال، انجمن تولیدکنندگان هنرهای دستی است که خود را وقف طراحی، بازاریابی، مدیریت و خدمات تکنیکی برای قشر کم‌درآمد و به‌خصوص تولیدکنندگان زن است.

نپال یکی از کشورهای بسیار فقیر و کمتر توسعه یافته در دنیاست که نیمی از جمعیت آن که حدود ۲۹ میلیون نفر است، زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۸۰ درصد آنها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و کشاورزی منبع اولیه درآمد آنهاست. فقط ۴۵ درصد از افراد بالای ۱۵ سال سواد خواندن و نوشتن دارند. در این شرایط میرا باتاری انجمن تولیدکنندگان هنرهای دستی را به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی ایجاد کرده تا وضع زنان کم‌درآمد در نپال را بهبود بخشد.

ابتکارات و فعالیت‌ها

ACP فقط یک تعاونی نیست، بلکه به‌عنوان یک واسطه و کارگشا برای توانمند ساختن زنان عمل می‌کند، که با پیشنهاد دادن آنها به‌عنوان کارگر زن، فرصت‌های درآمدی مناسب را فراهم می‌کند. ACP همچنین برای

تولیدکنندگان حقوق و مزایای اجتماعی مثل سلامت، یارانه خانوار، بودجه موارد اضطراری و کمک هزینه تحصیل (۲ فرزند در هر خانواده که حداقل یکی از آنها دختر باشد) در نظر می‌گیرد. ACP با ۳۸ تولیدکننده هنرهای دستی آغاز به کار کرد و امروز بیش از ۱۱۰۰ (۹۰ درصد خانم‌ها) نفر از ۱۵ بخش نپال، در آن جا اشتغال دارند. کار آنها در ۲۱ حوزه تولیدی شامل سرامیک، سبدهای حصیری دستباف، ساخت اسباب‌بازی، ظروف میز غذا، محصولات پشمی و نجاری است. ACP، ۶۰ کارمند تمام‌وقت دارد که همچنان رو به رشد است و از سال ۱۹۸۷ به‌طور کامل به خود متکی است. کلید موفقیت آن در سرمایه‌گذاری دوباره از سود حاصل برای نفع بیشتر تولیدکنندگان است. درآمد حاصل از فروش این محصولات دستی، نقش مهمی در اقتصاد خانواده زنان بازی می‌کند. چنین درآمدهایی باعث افزایش حمایت و همچنین احترام شوهران و پدران آنها می‌شود و باعث می‌شود تا صدای آنها در تصمیمات مربوط به خانه شنیده شود و عزم و اراده آنان برای تربیت فرزندانشان خصوصا دخترانشان بیشتر شود.

جهان داوطلبی

رستاخیز لنین و داوطلبان انتقال بزمجه‌ها

گاهی اوقات انجام برخی از کارها، مقدمات یا انجام کارهای دیگری را می‌طلبد. مثلا یک اقدام هنری الزامش این است که کار داوطلبانه‌ای انجام دهید تا آسیبی متوجه کسی، چیزی یا موجودی نشود.

برای روشن شدن موضوع ارجاعتان می‌دهیم به خبری که این روزها مورد توجه مردم و فعالان محیط‌زیست قرار گرفته است:

زمانی که آلمان کشوری دو پاره بود، مجسمه غول‌پیکری از لنین در بخش شرقی برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، به چشم می‌خورد. این مجسمه پس از وحدت دو آلمان برچیده شد و حال قرار است دوباره بازگردد؛ دست‌کم سر آن.

در زمان حکومت کمونیستی در شرق آلمان، یک مجسمه بزرگ ۱۹ متری از ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر انقلاب اکتبر و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در یکی از میدان‌های برلین شرقی به نام «میدان لنین» واقع در منطقه «فریدریشزهاین» خودنمایی می‌کرد.

پس از وحدت دو آلمان، این مجسمه را برچیدند و قطعه‌قطعه کردند. این قطعات از سال ۱۹۹۱ تاکنون در گودال‌های ماسه‌ای سواحل دریاچه «موگل» واقع در جنوب برلین مدفون شده‌اند. ولی ممکن است لنین دوباره برخیزد، دست‌کم سر او.

موزه‌ای در منطقه «اشپاندائو» برلین که خود در دژی قدیمی متعلق به قرن شانزدهم برپا شده است، تصمیم دارد نمایشگاهی دایمی برای قطعاتی فراهم آورد که اگر چه زمانی دچار بی‌مهری شدند، ولی بخشی از تاریخ پر فراز و نشیب پایتخت آلمان به‌شمار می‌روند.

این موزه قصد دارد سر مجسمه لنین را که طول آن ۱/۷۰ متر و وزن آن ۳/۵ تن است از مدفن ماسه‌ای خود بیرون آورد. البته این اقدام با مخالفت مقامات شهر برلین و نیز شمار زیادی از برلینی‌ها روبه‌رو شده است که خیال می‌کردند برای همیشه از دست این کمونیست قدیمی راحت شده‌اند.

ولی مانع اصلی فقط این مخالفت‌ها نیست. مانع بزرگ‌تر می‌تواند نوع خاصی از بزمجه‌هایی باشد که در منطقه ساحلی این دریاچه زندگی می‌کنند و طول آنها به ۲۵ سانتی‌متر می‌رسد. این بزمجه‌ها با خطر انقراض روبه‌رو هستند و جزو انواع حیوانات رده‌بندی شده‌اند که کشورهای اروپایی ناگزیرند به شدت مراقب بقای آنها باشند.

خارج کردن سر ۳/۵ تنی مجسمه لنین از گودال‌های ماسه‌ای این منطقه مستلزم استفاده از جرثقیلی سنگین است و این امر می‌تواند زندگی بزمجه‌ها و به‌ویژه زمان جفتگیری آنها را مختل کند. گفتنی است که این بزمجه‌ها در زمان جفتگیری به رنگ سبز درمی‌آیند. قانونی حکم می‌کند که اگر کسی می‌خواهد در این منطقه حفاری کند، باید زمینه نقل مکان بزمجه‌ها را فراهم سازد.

خانم کارمن مان، مدیر نمایشگاه موزه «اشپاندائو» می‌گوید: «اکنون زمانی است که

بزمجه‌ها از خواب زمستانی خود بیدار می‌شوند و زیست‌شناسان باید آنها را پیش از آن که به محیط خود عادت کنند جمع‌آوری و به نقطه دیگری در همین نزدیکی که برایشان در نظر گرفته شده منتقل کنند.»

به گفته خانم مان، این عملیات وقت‌گیر است و ممکن است تا تابستان امسال به درازا بکشد. نقل مکان بزمجه‌ها عملیاتی دشوار است، زیرا اگر این خزندگان نایاب احساس خطر کنند، دم خود را از دست می‌دهند. اگر کسی بخواهد آنها را بگیرد، باید علف‌هایی را که در زیر آن پناه گرفته‌اند، کوتاه کند. افزون بر آن آنها گاز هم می‌گیرند.

با توجه به این دشواری‌هاست که هنوز برای حفاری و بیرون‌آوردن سر مجسمه لنین زمانی تعیین نشده است. با این همه تلویزیون آلمان وعده پخش آن را داده و گفته است که تصاویر رستاخیز لنین نشان‌دهنده این واقعیت خواهد بود که برلین برای همیشه بر کابوس دوپارگی خود چیره شده است.

برخی ناظران می‌گویند، وقتی خود لنین را در برلین می‌گردانند می‌تواند با دیدن این همه تغییراتی که از سال ۱۹۹۱ تاکنون در این شهر رخ داده دچار شوک روحی شود. به راستی لنین چه می‌گفت اگر سر برآوردن این همه هتل‌ها، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، بارها و بوتیک‌های شیک و لوکس را در این شهر می‌دید که سیمای آن را نسبت به ۲۵ سال پیش به کلی دگرگون کرده‌اند؟

پاورقی هفته

۲

می الخلیل

دونده دو استقامت

ابتکارات داوطلبانه بین‌المللی

دو استقامت ملی

در اکتبر ۲۰۰۳، بالغ بر ۶ هزار دونده از ۴۹ ملیت مختلف به خط شروع آمدند، همگی مصمم بودند و وقتی تیر شلیک شد، این بار نشانه دویدن در هارمونی برای یک تغییر بود.

دو استقامت بزرگتر شد. همین‌طور مشکلات سیاسی ما. اما برای هر فاجعه‌ای که مواجه می‌شدیم، دو استقامت روش‌های خودش را برای جمع کردن مردم پیدا می‌کرد. در ۲۰۰۵، نخست‌وزیر ما ترور شد و کشور دچار وقفه کامل شد، بنابراین ما کمپین «پنج کیلومتر ما متحد در کنار هم می‌دویم» را سازماندهی کردیم. بیش از ۶۰ هزار نفر به خط شروع آمدند، همگی لباس‌های سفید بدون شعار سیاسی به تن داشتند. این نقطه عطفی بود برای دو استقامت ما، جایی که مردم شروع کردند به دیدن آن به‌عنوان سکویی برای صلح و اتحاد. بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، کشور ما، لبنان، سال‌های بی‌ثباتی را پشت‌سر گذاشت، یورش‌ها و ترورهای بیشتری که ما را به یک جنگ داخلی نزدیک کرد. کشور دوباره تقسیم شد، به‌طوری که پارلمان ما استعفاء داد، برای یک‌سال، نه رئیس‌جمهور داشتیم و نه نخست‌وزیر. اما دو استقامت‌مان را برگزار کردیم.

بنابراین در طی دو استقامت، ما یاد گرفتیم که مشکلات سیاسی فائق‌آمدنی هستند. وقتی جناح مخالف تصمیم گرفت بخشی از مرکز شهر را تعطیل کند، ما مسیرهای جایگزین را بررسی کردیم. معترضان دولتی در خطوط کناری سردسته تشویق‌کنندگان شدند. آنها حتی به پذیرایی در دکه‌های پخش آبمیوه پرداختند.

می‌دونید، این مسابقه دو استقامت در این‌جا واقعا در نوع خود بی‌نظیر است و اعتبار خود را هم از لبنانی‌ها و هم از جامعه بین‌الملل به‌دست آورد. در نوامبر سال ۲۰۱۲، بیش از ۳۳ هزار دونده از ۸۵ ملیت مختلف به خط شروع آمدند، اما این بار، آنها با آب و هوای بسیار بارانی و طوفانی دست‌وپنجه نرم کردند. در خیابان‌ها سیل جاری بود، اما مردم نمی‌خواستند فرصت بودن به‌عنوان بخشی از چنین روز ملی را از دست دهند.

انجمن ماراتن بیروت «BMA» گسترش یافته که شامل همه ما است: جوان، سالخورده، معلولان جسمی و ذهنی، نابینا، نخبگان، دونده‌های غیرحرفه‌ای، حتی مادرهایی به‌همراه بچه‌هاشون. موضوعاتی که شامل این دوها می‌شود مربوط به محیط‌زیست، سرطان‌پستان، عشق به لبنان، به‌خاطر صلح یا حتی صرفا خود دویدن است.

نخستین مسابقه سالانه زنان و دختران برای قدرتمند شدن که در منطقه در نوع خود بی‌همتاست، تنها چند هفته قبل برگزار شد، با حضور ۴ هزار و ۵۱۲ زن، از جمله بانوی اول و این تنها شروع آن است.

انجمن ماراتن بیروت «BMA» از خیریه‌ها و داوطلبانی پشتیبانی کرده که به شکل‌گیری دوباره لبنان کمک کرده‌اند، از طریق جمع‌آوری سرمایه برای آرمان‌هایشان و تشویق دیگران به بخشش. فرهنگ بخشش و انجام اعمال خوب همه‌گیر شده است. کلیشه‌ها را شکسته‌اند. ایجادکنندگان تغییر و رهبران آینده خلق شده‌اند. به باور من اینها سنگ‌بنای صلح آتی است.

انجمن ماراتن بیروت «BMA» به چنان رویداد احترام‌برانگیزی در منطقه تبدیل شده که مقامات دولتی در منطقه مثل عراق، مصر و سوریه از این سازمان برای ایجاد یک رویداد ورزشی مشابه درخواست کمک کرده‌اند. ما اکنون یکی از بزرگترین رویدادهای دویدنی در خاورمیانه هستیم، اما مهم‌تر از همه، این که سکویی برای امید و همکاری در شکننده‌ترین و بی‌ثبات‌ترین بخش جهان است. از بوستون گرفته تا بیروت، ما همگی یکی هستیم.

بعد از ۱۰ سال در لبنان، از دو استقامت ملی یا رویدادهای ملی گرفته تا مسابقات منطقه‌ای کوچکتر، ما شاهد آن بوده‌ایم که مردم برای آینده‌ای بهتر می‌دوند.